

Analyzing the Functions of Entertainment in the Age Group of Children from the Perspective of Islamic Ethics

Sayed Abdollah Mirkhandan*

Abstract

Modern-day entertainment during childhood can have various positive or negative impacts. Examining this challenging topic from an Islamic perspective is important and necessary, especially during childhood, a time when an individual's personality undergoes sometimes irreversible changes. Considering that assessing human actions in challenging areas falls under the purview of applied ethics, this study aims to clarify the functions of entertainment during childhood from the perspective of Islamic applied ethics using a descriptive-analytical method. This research has identified several functions of entertainment during childhood, including education, talent development, self-discovery, substitution, psychotherapy, reinforcement of teamwork, and the transmission of values. Some considerations of Islamic applied ethics for the proper use of these functions include avoiding the promotion of utilitarianism, consumerism, false needs for entertainment, and excessive engagement in passive, imaginary, and solitary games. From the perspective of Islamic applied ethics, educating and nurturing children through entertainment is particularly significant for children under the age of seven. Moreover, entertainment fosters the development of certain talents in children, such as intellectual growth and the development of moral traits in adulthood. Islamic applied ethics teachings recommend playful interactions with children, which predominantly lead to calming effects, emotional release, self-discovery, and psychotherapy. Additionally, according to these teachings, it is beneficial for the content of entertainment to match the child's gender, and children should be given gender-appropriate toys. Children also have the right to play with peers whose play styles are more similar to their own.

Keywords

Entertainment, Functions of Entertainment, Islamic Ethics, Applied Ethics, Leisure Time.



* Level 4 Fiqh and Principles of Qom Seminary, Qom, Iran. Abdollahmirkhandan @yahoo.com

واکاوی کارکردهای سرگرمی در دوران کودکی از دیدگاه اخلاق کاربردی اسلامی سید عبدالله میرخندان*

چکیده

سرگرمی‌های امروزی کودکان می‌توانند تأثیرات مطلوب یا نامطلوب گوناگون و گسترده‌ای داشته باشند. در دوران کودکی، شخصیت فرد چنان شکل می‌گیرد که بعضاً تغییرناپذیر است؛ به همین دلیل، بررسی موضوع چالش‌خیز سرگرمی‌های کودکان از دیدگاه اسلامی، امری مهم و ضروری است. با توجه به اینکه دانش اخلاق کاربردی، عهده‌دار ارزش‌گذاری افعال انسان در موارد چالش‌خیز است، پژوهش پیش رو با روش توصیفی تحلیلی در پی تبیین کارکردهای سرگرمی در دوران کودکی از دیدگاه اخلاق کاربردی اسلامی است. در این پژوهش مشخص شد از جمله کارکردهای سرگرمی در دوره کودکی، آموزش‌دهی، شکوفایی استعدادها، خودیابی، جانشین‌پذیری، روان‌درمانی، تقویت روحیه مشارکت در کارهای گروهی و انتقال ارزش‌هاست. برخی از ملاحظات اخلاق کاربردی اسلامی برای استفاده صحیح از این کارکردها عبارت‌اند از: پرهیز از ترویج سودگرایی و مصرف‌گرایی، از بین بردن نیاز کاذب به سرگرمی و نپرداختن بیش از اندازه به

* سطح چهار فقه و اصول حوزه علمی قم، قم، ایران.





بازی‌های منفعلانه، تخیلی و انفرادی. از منظر اخلاق کاربردی اسلامی، آموزش دادن و تربیت کودکان با بهره‌گیری از سرگرمی برای کودکان زیر هفت سال، از اهمیت بیشتری برخوردار است. همچنین، سرگرمی منشأ پرورش و رشد بعضی از استعدادهای کودک (مانند رشد عقلی) یا ایجاد صفات اخلاقی در بزرگ‌سالی است. در آموزه‌های اخلاق کاربردی اسلامی به شوخی کردن با کودکان که اثر غالبی آن آرامش‌بخشی و تخلیه هیجانات و به تبع آن، کمک به خودیابی و روان‌درمانی در کودک است، سفارش شده است؛ همچنین براساس این آموزه‌ها خوب است محتوای سرگرمی با جنسیت کودک متناسب باشد و اسباب‌بازی‌های متناسب با جنسیت کودکان به آن‌ها داده شود. کودک حق دارد با کسانی بازی کند که شیوه‌های بازی کردن آن‌ها، شباهت بیشتری به بازی خودش دارد.

کلیدواژه‌ها

سرگرمی، کارکرد سرگرمی، اخلاق اسلامی، اخلاق کاربردی، اوقات فراغت.

مقدمه

سرگرمی می‌تواند با کارکردهای متنوع روان‌شناختی، جامعه‌شناختی، تربیتی و اخلاقی بر مخاطب خود تأثیر بگذارد. طرف‌داران فعالیت‌های تفریحی و سرگرمی‌ها، این فعالیت‌ها را راهی برای حل مشکلات و رسیدن به آرمان‌های تمدن بشری و به‌ارمغان‌آورنده لحظاتی خوش و لذت‌بخش برای مخاطبان خود، از جمله کودکان، معرفی می‌کنند. امروزه یکی از صنایع پرسود، صنعت سرگرمی است که برای کودکان، محصولات متنوعی از پویانمایی‌ها گرفته تا انواع اسباب‌بازی‌ها تولید می‌کند. با این حال، به‌باور منتقدان، استفاده نادرست از این مشغولیت لذت‌آور، نه تنها فواید پیش‌گفته را در پی نخواهد داشت، بلکه ممکن است موجب مشکلات روحی و اخلاقی متعددی مانند انزوا، پوچی، خودفریبی، ایجاد نیازهای کاذب و یا ایجاد



آرمان‌های دروغین و کاذب برای مخاطبان از جمله کودکان شود (برای تفصیل این مشکلات ر.ک: شرف‌الدین، ۱۳۹۴، ص ۲۴۳-۲۶۹).

تمرکز بر کارکردهای سرگرمی و توجه به مبانی اسلامی و نیز اقتضائات دوران کودکی برای استفاده صحیح از سرگرمی در این گروه سنی، امری لازم و ضروری است؛ چراکه توجه به مبانی اسلام مانند دوری از گناه، دوری از کارهای بیهوده، واقع‌گرایی و عقلانیت در رفتار موجب می‌شود سرگرمی مطلوب از نامطلوب متمایز شود و بتوان راه‌های کسب کارکردهای مطلوب سرگرمی و راه‌های در امان ماندن از کارکردهای نامطلوب سرگرمی را فهمید؛ همچنین با توجه به اقتضائاتی مانند جنسیت و سن کودک، نحوه تأثیرپذیری این گروه سنی از کارکردهای سرگرمی مشخص می‌شود.

ذکر این نکته لازم است که بررسی نحوه اثرگذاری سرگرمی‌ها در دوره کودکی و به‌کارگیری آموزه‌های اخلاق اسلامی در این خصوص امری چالشی و همراه با تأملات پیچیده اخلاقی است؛ توضیح اینکه مشخص نیست آثار عموم سرگرمی‌ها چیست و این آثار با توجه به اقتضائات دوران کودکی چگونه‌اند. حتی اگر تمامی این موارد مشخص شود باید دید ارزش‌های اخلاقی در این زمینه به چه شکل است. دانشی که راه برون‌رفت از چالش‌های اخلاقی را با توجه به بافت این چالش‌ها و اقتضائات آن می‌کاود، دانش اخلاق کاربردی است (ر.ک: شریفی، ۱۳۹۰، صص ۸۶ و ۸۸)؛ از این رو، این تحقیق در قلمرو دانش اخلاق کاربردی اسلامی قرار می‌گیرد.

سؤال اصلی در پژوهش پیش رو این است که کارکردهای سرگرمی در دوران کودکی با در نظر گرفتن ملاحظات اخلاق کاربردی اسلامی چیست؟ سؤالات فرعی نیز عبارت‌اند از اینکه کارکردهای سرگرمی در دوران کودکی چیست؟ از دیدگاه اخلاق کاربردی اسلامی، چه ملاحظاتی درباره این کارکردها وجود دارد؟ این ملاحظات اسلامی با توجه به سن کودکان چگونه هستند؟

پیشینه تحقیق

با بررسی تحقیقات انجام گرفته درباره کارکردهای سرگرمی در دوران کودکی مشخص شد تحقیقاتی که دیدگاه‌های اسلامی را نیز در بر داشته باشد، در این زمینه اندک هستند. پژوهش پیش رو با بحث مستقل درخصوص کارکردهای سرگرمی در دوران کودکی و بررسی کارکردهای متنوع و متعدد در این زمینه و نیز بحث تفصیلی تر درخصوص دیدگاه اسلامی درباره این آثار، جنبه نوآورانه دارد. در ادامه، به برخی از این تحقیقات اشاره می‌شود:

- کتاب سرگرمی رسانه‌ای: رویکردی اسلامی/ارتباطی به سرگرمی در سیمای ملی، نوشته سیدحسین شرف‌الدین (۱۳۹۴)؛ در این کتاب مؤلف به برخی از کارکردهای سرگرمی در دوران کودکی اشاره دارد؛ برای نمونه، در بخش مفهوم‌شناسی تلویزیون، آماری از استفاده گروه‌های سنی مختلف، از جمله کودکان، از تلویزیون ارائه و با توجه به کارکردهای تلویزیون به تحلیل علل گرایش به آن پرداخته شده است. مؤلف در بخش‌های پایانی کتاب درباره الگوی هنجاری مطلوب سرگرمی در یک رسانه دینی سخن گفته است؛

- مقاله «ملاحظات ارتباط کودکان و نوجوانان با فضای مجازی با توجه به گروه‌های سنی از منظر اسلامی» در مجموعه مقالات اولین همایش علمی پژوهشی اخلاق و رسانه؛ مریم رضاپور نیاری (۱۳۹۴) در این مقاله با در نظر گرفتن کارکردهای فضای مجازی و سرگرمی‌های آن به تربیت کودکان پرداخته است؛

- مقاله «رشد اخلاقی کودکان در کشاکش رسانه و خانواده» در مجموعه مقالات اولین همایش علمی پژوهشی اخلاق و رسانه؛ حسن بوسلیکی و مسعود آذربایجانی (۱۳۹۸) در این مقاله درباره کارکرد انتقال ارزش‌های اخلاقی توسط رسانه و تأثیر آن بر رشد اخلاقی کودک و چالش‌های خانواده در تربیت کودکان (مانند شکاف نسلی و زوال کودکی) سخن گفته‌اند. نویسندگان، به‌طور ضمنی، به برخی از کارکردهای سرگرمی رسانه‌ای در کودکان اشاره کرده‌اند.



روش تحقیق

در این تحقیق، تحلیل داده‌ها به روش توصیفی تحلیلی است و به دلیل اینکه در این تحقیق، متون مختلف اسلامی و غیراسلامی تجزیه و تحلیل شده‌اند؛ این تجزیه و تحلیل، تحلیل محتوا به شمار می‌رود و بدان دلیل که در این تحقیق، تحلیل داده‌ها بدون استفاده از روش‌های آماری و به صورت غیر کمی انجام می‌شود، این نوشتار، تحقیقی کیفی است. همچنین در این تحقیق از روش متداول در علم اخلاق کاربردی یعنی موازنه متفکرانه استفاده شده است؛ توضیح اینکه بررسی و قضاوت اخلاقی در مسائل اخلاق کاربردی، متضمن سه روش عمده از بالا به پایین، از پایین به بالا و موازنه متفکرانه (تعادل متأملانه) است (خزاعی، ۱۳۸۶، ص ۱۸۹).

در روش بالا به پایین، حکم اخلاقی از کنارهم گذاشتن یک کبرای کلی و یک صغرای جزئی و سپس نتیجه گرفتن از آن‌ها به دست می‌آید. در این شیوه، ارزش‌گذاری هر فعل اخلاقی با نشان دادن مطابقت آن با یکی از اصول هنجاری عام و انتزاعی صورت می‌پذیرد (اسلامی، دبیری و علیزاده، ۱۳۸۸، ص ۲۸). در روش از پایین به بالا، فارغ از اصول کلی، فعل اخلاقی به صورت جزئی و عینی بررسی می‌شود. در این روش تلاش می‌شود حتی الامکان به ویژگی‌های مسئله مورد نظر توجه شود و همه واقعیات مرتبط در قضاوت اخلاقی دخیل باشند. پس از مشاهده جزئیات مورد نیاز و دقت در جوانب این مسئله خاص، حکم اخلاقی آن صادر می‌شود (خزاعی، ۱۳۸۶، ص ۱۹۰).

به خاطر برخی از مشکلاتی که در عمل برای دو روش مذکور پیش می‌آمد، روش سومی به نام موازنه متفکرانه مطرح شد. در این روش، عناصر زمینه‌ای و خصوصیات مورد، با اصول کلی اخلاقی، رابطه‌ای دوسویه دارد؛ به این معنا که گاه عناصر زمینه‌ای موجب تصحیح یا رد اصول کلی اخلاقی می‌شوند و گاه اصول کلی اخلاقی بر مصادیق خارجی تطبیق داده می‌شوند (اسلامی، دبیری و علیزاده، ۱۳۸۸، ص ۳۲).





مفهوم‌شناسی

در واکاوی کارکردهای سرگرمی در دوران کودکی از دیدگاه اخلاق کاربردی اسلامی، برخی از مفاهیم مانند کارکرد، سرگرمی، دوره کودکی و اخلاق کاربردی به‌سان مبنای مفهومی و به‌صورت سازه‌ای استفاده شده‌اند؛ به همین دلیل، بررسی تعاریف این مفاهیم و ارائه یا برگزیدن دیدگاه‌هایی در این‌باره ضروری است.

کارکرد

به باور برخی از جامعه‌شناسان، واژه کارکرد به معنی آثار و نتایج منفی نیست و فقط آثار و نتایج مطلوب و دلخواه کارکرد را در بر می‌گیرد (مرتن به نقل از ساروخانی، ۱۳۷۰، ص ۲۸۴)؛ اما در این تحقیق، طبق نظر بعضی دیگر (ر.ک: توسلی، ۱۳۷۶، ص ۲۱۷)، مقصود از کارکرد، مطلق آثار یک چیز است؛ خواه این آثار مطلوب و خواه نامطلوب باشند. بنابراین، وقتی گفته می‌شود مثلاً آموزش‌دهی، کارکرد سرگرمی است، مراد این است که اثر سرگرمی، آموزش‌دادن است که ممکن است این امر شامل آموزش‌دادن امور مطلوب یا نامطلوب باشد.

سرگرمی

این مقاله با توجه به انواع سرگرمی، از جمله سرگرمی‌های مدرن و نوظهور و سرگرمی‌های قدیمی و سنتی، نگاشته شده است؛ در تعریفی کلی می‌توان سرگرمی‌ها را به حالت نفسانی و فعالیت فراغتی تعریف کرد که فارغ از دیگر فعالیت‌های انسان، به‌خودی‌خود اهمیت دارد و به‌صورت خودانگیخته و اختیاری و با مقاصدی مانند تخلیه هیجانات، هیجان‌خواهی، نشاط‌آفرینی، رفع خستگی، ایجاد تنوع و دوری از یکنواختی انجام می‌شود (میرخندان و خیری، ۱۴۰۱، ص ۶۵).

دوره کودکی

تعریف دقیق دوره کودکی دشوار است. ممکن است طبق نظر عده‌ای، دوره جنینی جزئی از دوره کودکی باشد یا اینکه برخی معتقد باشند میل جنسی در دوران کودکی نیز وجود دارد. افرادی مانند پستمن معتقدند تا چهارصد سال پیش، در تاریخ و فرهنگ مغرب‌زمین، واژه‌ای اجتماعی به نام کودک وجود نداشته است، بلکه این مقوله آرمانی و فرهنگی زاییده دوران رنسانس در غرب است؛ همچنین ایشان معتقدند در غرب تا پیش از رنسانس، مسئله‌ای به نام تفاوت سنی میان انسان‌ها مطرح نبوده است (پستمن، ۱۳۸۸، صص ۱۵ و ۶۴).

عده‌ای نیز گفته‌اند پایان دوران کودکی هنگام ظهور بلوغ جنسی است که ممکن است در افراد و جوامع مختلف متفاوت باشد؛ برای نمونه، عده‌ای سن بلوغ جنسی در دختران را ۸ تا چهارده سالگی و در پسران یازده تا پانزده سالگی دانسته‌اند (پارسا، ۱۳۷۳، صص ۲۱۴ و ۲۱۸). برخی نیز میانگین سن بلوغ جنسی را در دختران، سیزده سالگی و در پسران پانزده سالگی تخمین زده‌اند (اکبرزاده، ۱۳۷۶، صص ۱۴-۱۵). عده‌ای هم در مراحل رشد انسان، پایان کودکی و شروع نوجوانی را دوازده سالگی دانسته‌اند (شولتز و شولتز، ۱۳۸۵، صص ۲۴۸) و برخی آن را سیزده سالگی گفته‌اند (رایکمن، ۱۳۸۷، صص ۱۹۱).

در منابع اخلاق اسلامی، در برخی از روایات، دوره‌های سنی خاصی برای تربیت فرزندان بیان شده است؛ مانند از بدو تولد تا هفت سالگی، از هفت سالگی تا چهارده سالگی و از چهارده سالگی تا ۲۱ سالگی (ر.ک: بروجردی، ۱۳۷۳، ج ۲۶: صص ۸۴۶-۸۴۸). طبق این روایات، دوره کودکی از بدو تولد تا هفت سالگی، اولین دوره از دوره‌های سنی خاص برای تربیت فرزندان است. از هفت سالگی تا چهارده سالگی نیز به عنوان دوره کودکی و نوجوانی شناخته می‌شود. در این دوره، کودکان به تدریج به نوجوانان تبدیل می‌شوند و نیاز به راهنمایی، تربیت و انگیزه برای پیشرفت دارند.





معیار دیگر در زمینه تعیین دوران کودکی، سن بلوغ شرعی^۱ است که در کلمات فقها بیان شده است (ر.ک: طوسی، ۱۴۱۱ق، ج ۳: ص ۲۸۲؛ نجفی، ۱۴۰۴ق، ج ۲۶: ص ۴-۴۸). بلوغ شرعی نشان‌دهنده این است که فرد قادر است مسئولیت اعمال و تصمیمات خود را بپذیرد و این می‌تواند حاکی از این باشد که فرد از نظر شرعی به‌عنوان بزرگ‌سال شناخته می‌شود. باین حال، به نظر می‌رسد هرچند بلوغ شرعی یک مرحله مهم در رشد فرد است، نمی‌توان آن را تنها معیار خروج از دوران کودکی در نظر گرفت. این موضوع باید با توجه به فرهنگ، سنت‌ها، قوانین محلی و رشد جسمی و روانی فرد در نظر گرفته شود.

بنابراین، می‌توان گفت دوران کودکی به‌طور کلی از بدو تولد تا دوره‌ای را که فرد به‌عنوان بزرگ‌سال شناخته می‌شود در بر می‌گیرد. البته برای تعیین دقیق‌تر دوران کودکی، ملاحظه به عوامل مختلفی از جمله بلوغ شرعی، قوانین محلی و رشد جسمی و روانی فرد لازم است.

اخلاق کاربردی

علم اخلاق، علمی است که به ارزش‌گذاری افعال و صفات نفسانی انسان می‌پردازد (ر.ک: مصباح یزدی، ۱۳۹۱، ج ۱: صص ۲۵ و ۲۴۰). در برخی از موارد، ارزش‌گذاری‌های اخلاقی با چالش‌هایی همراه است و نمی‌توان صرفاً از قواعد کلی و اصول اساسی علم اخلاق استفاده کرد. دانش اخلاق کاربردی، عهده‌دار بررسی این موارد چالش‌خیز است (ر.ک: شریفی، ۱۳۹۰، صص ۸۶ و ۸۸). بدان دلیل که ارزش‌گذاری اخلاقی برای کارکردهای سرگرمی در دوره کودکی با چالش‌های متعددی همراه است و رویکرد این پژوهش نیز رویکردی اسلامی است، تحقیق پیش رو در قلمرو دانش اخلاق کاربردی اسلامی قرار می‌گیرد.

۱. منظور از بلوغ شرعی، نُه‌سالگی برای دختران و پانزده‌سالگی برای پسران است؛ این سنین در بین فقهای شیعه به‌عنوان سن بلوغ شرعی معروف هستند.

یافته‌های تحقیق

عده‌ای کارکردهای سرگرمی را چنین برشمرده‌اند: تسکین و التیام بخشی، ارضای حس آرمان خواهی، غفلت زایی و سازگاری، رهایی یابی و جبران، تخلیه هیجانات، روان‌درمانی، خودبرون افکنی، تعالی یابی شبه مذهبی و جانشین پذیری (شرف الدین، ۱۳۹۴، ص ۱۷۶-۱۹۴). بنابراین برخی دیگر، این کارکردها عبارت‌اند از: تمدد اعصاب و تجدید قوا، استراحت، به دست آوردن معلومات و افزایش آگاهی‌ها، شکوفایی و پرورش خلاقیت‌ها و استعدادها، شادی و تفریح، برقراری تعادل در شکل‌گیری هویت و رشد شخصیت (شهیدی، ۱۳۸۷، ص ۵۹).

به نظر می‌رسد نوع و شیوه سرگرمی‌ها و کارکردهای آن‌ها ممکن است بسته به سن و مرحله توسعه فردی تغییر کند. در یک جمع‌بندی کلی، مهم‌ترین این کارکردها که بر کودکان نیز تأثیرگذارند، عبارت‌اند از: آموزش دهی، ایجاد خلاقیت و شکوفایی استعدادها، خودیابی، جانشین‌پذیری، روان‌درمانی، تقویت کارهای گروهی و حس همکاری و انتقال ارزش‌ها. در ادامه، این کارکردها بررسی می‌شوند.

آموزش دهی

به نظر روان‌شناسانی مانند پیاژه، کودکان در دو تا هفت سالگی، مفهوم رقابت در بازی را درک نمی‌کنند و این درک در هفت تا دوازده سالگی رخ می‌دهد. همچنین، در دوازده تا پانزده سالگی، کودکان با استفاده از بازی، قواعد اخلاقی را یاد می‌گیرند (پیاژه، ۱۳۷۹، صص ۳۵ و ۶۲) که این مطالب خود به کارکرد آموزش دهی بازی و سرگرمی در کودکان اشاره دارد.

به نظر می‌رسد سرگرمی و بازی، از طریق ایجاد احساس لذت و نشاط، کودکان را به انجام اعمال هدفمند ترغیب می‌کند و آن‌ها را در یادگیری رفتارهای متناسب با جنسیتشان تقویت می‌کند. این فرایند از طریق تقلید و تقویت رفتارهای هدفمند





اتفاق می‌افتد و انتخاب اسباب‌بازی‌های خاص در این زمینه تأثیرگذار است (ر.ک: هیوز، ۱۳۸۴، ص ۲۰۰).

در اسلام، توجه به محتوایی که با سرگرمی آموزش داده می‌شود، بسیار مهم است. این امر به این معناست که سرگرمی‌های کودکان باید به شکلی طراحی شود که به تربیت آن‌ها برای انجام وظایف مفید و پسندیده در آینده کمک کند؛ مانند وظایف مادری و حفظ حجاب در دختران و وظایف اقتصادی و دفاع از ناموس در پسران. از این رو، استفاده از سرگرمی و بازی‌های آموزشی برای آموزش این امور در اسلام تأیید شده است و با دیدگاه‌های اخلاقی اسلامی و نظریه‌های تربیتی ارتباط دارد. برخی از روایات به آموزش امور مطلوب به وسیله سرگرمی اشاره دارند؛ برای نمونه، امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «دَعِ ابْنَكَ يَلْعَبُ سَبْعَ سِنِينَ وَ يُوَدَّبُ سَبْعَ سِنِينَ وَ أَلْزَمَهُ نَفْسَكَ سَبْعَ سِنِينَ فَإِنْ أَفْلَحَ وَ إِلَّا فَإِنَّهُ مِمَّنْ لَا خَيْرَ فِيهِ؛ تا هفت سال، فرزندت را برای بازی آزاد بگذار و بعد، هفت سال او را تأدیب کن و سپس، هفت سال او را همراه خودت قرار بده. پس از طی این مراحل، چنانچه به رستگاری رسید که هیچ، والا خیری در او نیست» (ابن بابویه، ۱۴۱۳ق، ج ۳: ص ۴۹۲). بر اساس تفسیر محققان اسلامی از این روایت، بازی و سرگرمی در دوران کودکی (زیر هفت سال) نقش مهمی در تربیت و آموزش کودکان دارد که از منظر اسلامی به آن توصیه شده است (محمدی سیف و عارف، ۱۳۹۷، ص ۹۷).

با وجود ظرفیت زیاد برای استفاده مطلوب از این کارکرد سرگرمی، به باور منتقدان، در حال حاضر استفاده از این کارکرد سرگرمی غالباً نامطلوب است. از منظر ایشان، بازی‌ها و اسباب‌بازی‌های مدرن، آورده کمی برای رشد مغزی کودک دارند و والدین نیز معمولاً نمی‌توانند در مقابل تفریحات و سرگرمی‌هایی که صنعت سرگرمی به صورت انبوه تولید می‌کند، به فرزندانشان کمک کنند.

همچنین فعالیت کودک در بیرون از منزل، کار مراقبت از آن‌ها را در مقابل این گونه سرگرمی‌ها سخت‌تر می‌کند؛ ایشان معتقدند بازی‌های مدرن و رایج در

عصر حاضر موجب ترویج مصرف‌گرایی می‌شوند و فرد در انتخاب محتوای آن‌ها آزادی ندارد (خباز، ۱۳۸۳، ص ۸-۱۰)؛ براین اساس، یکی از اهدافی که درباره این کارکرد باید در نظر گرفته شود، استفاده مطلوب از آن و پرهیز از ترویج و یاد دادن فرهنگ مصرف‌گرایی، لذت‌گرایی، سودگرایی و مانند آن است.

شکوفایی استعدادها

ایجاد خلاقیت و شکوفایی از جمله تأثیرات مثبتی است که سرگرمی‌ها بر رشد کودکان دارند و این موضوع را برخی از روان‌شناسان نیز تأیید کرده‌اند، به‌طور مثال، به باور ایشان، در دوازده تا پانزده سالگی، کودکان قوانین بازی را ابداع کرده و به قوانین خود اعتماد دارند (پیاژه، ۱۳۷۹، ص ۳۶).

این نکته نشان می‌دهد خلاقیت و توانایی ابداع در کودکان، تحت تأثیر سرگرمی‌ها و بازی‌ها به خوبی تقویت می‌شود و می‌تواند به رشد شخصیت و سلامت روانی آن‌ها کمک کند. بعضی از تحقیقات نیز نشان می‌دهند که ارتباط معناداری بین تمایل به بازی کردن کودکان با اسباب‌بازی‌های متناسب با جنسیتشان و شکوفاشدن استعدادهای ذهنی آنان وجود دارد؛ به‌طور مثال، در پسران، استعداد بیشتری برای انجام تکالیفی که احتیاج به مهارت‌های فضایی دارند، وجود دارد و به همین خاطر، پسران به اسباب‌بازی‌هایی مثل مجموعه ساخت‌وساز و وسایل نقلیه تمایل دارند؛ این اسباب‌بازی‌ها نیازمند دستکاری و ساختن اشیاء، الگوها و حرکت در فضا هستند. در برابر، دختران تمایل بیشتری به تعامل کلامی دارند و اسباب‌بازی‌هایی مثل بازی‌های صفحه‌ای، لوازم هنری، عروسک‌ها و لوازم مربوط به آن‌ها را دوست دارند؛ این اسباب‌بازی‌ها ارتباطات کلامی را تقویت می‌کنند (هیوز، ۱۳۸۴، ص ۲۱۴).

در آموزه‌های اخلاق کاربردی اسلامی نیز به تأثیر مطلوب سرگرمی بر شکوفایی استعدادهای کودک اشاره شده است. در این زمینه، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می‌فرماید:





«عَرَامَةُ الصَّبِيِّ فِي صِغَرِهِ زِيَادَةٌ فِي عَقْلِهِ فِي كِبَرِهِ؛ بَازِيْغُوشِي كُودَكْ دَر خَرْدَسَالِي اَش مَایَه فزونی عقل در بزرگسالی اوست» (پاینده، ۱۳۸۲، ص ۵۶۴). در روایت دیگری نیز آمده است: «تُسْتَحَبُّ عَرَامَةُ الصَّبِيِّ فِي صِغَرِهِ لِيَكُونَ حَلِيمًا فِي كِبَرِهِ ثُمَّ قَالَ مَا يَنْبَغِي أَنْ يَكُونَ إِلَّا هَكَذَا؛ خوب است بچه در سنین کودکی بازیگوش باشد تا در بزرگسالی شکیبا و صبور شود و غیر از این حالت برای کودک خوب نیست (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۴: ص ۵۲). این روایت‌ها نشان می‌دهند در اسلام، بازی و سرگرمی، یک وسیله مهم برای پرورش و توسعه استعداد کودکان تلقی می‌شود. باوجود کارکرد مطلوب سرگرمی در شکوفایی استعدادهای کودکان، مشغولیت بیش از حد به بازی‌های منفعلانه که فقط با هدف سرگرمی انجام می‌شوند و فعالیت جسمانی یا فکری مفیدی ندارند، می‌تواند باعث ازین رفتن استعدادهای کودکان شود (ر.ک: قاضی مرادی، ۱۳۸۷، ص ۱۷۵)؛ برای مثال، از آنجا که پسران علاقه‌مند به بازی‌های با تحرک زیاد هستند (مهجور، ۱۳۹۲، ص ۱۸۵)، افراط در بازی‌های رایانه‌ای ممکن است به کاهش تحرک و شکوفایی استعدادهای آنان منجر شود. این نوع بازی‌ها علاوه بر این، ممکن است باعث منزوی شدن دختران و مانع برقراری ارتباط کلامی آن‌ها با دیگران شود.

خودیابی

براساس بعضی از یافته‌های پژوهشگران، رابطه معناداری بین داشتن اسباب‌بازی‌های متناسب با جنسیت و هویت جنسی کودکان وجود دارد (گرت، ۱۳۷۹، ص ۴۱). بعضی از صاحب‌نظران بر این باورند که افزون بر عوامل جسمانی، فشارهای اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی نیز در این خصوص تأثیر گذارند (مهجور، ۱۳۹۲، ص ۱۸۶)؛ به دیگر سخن، تلقی خانواده و جامعه از هویت جنسی پسر یا دختر موجب انتخاب نوع ویژه‌ای از اسباب‌بازی‌ها در هریک از گروه پسران و دختران می‌شود و در خودیابی کودک مؤثر است.

در منابع اسلامی، در برخی از روایات به والدین توصیه می‌شود به پسران خود مهارت‌هایی مانند تیراندازی و شنا آموزش دهند؛ مثلاً طبق روایتی، پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ می‌فرماید: «عَلَّمُوا أَبْنَاءَكُمْ الرَّمِيَّ وَ السَّبَّاحَةَ؛ به پسرانتان تیراندازی و شنا بیاموزید» (بروجردی، ۱۳۷۳، ج ۲۲: ص ۷۱۴) یا در روایت مشابه دیگری می‌فرماید: «عَلَّمُوا بَنِيكُمْ الرَّمِيَّ فَإِنَّهُ نِكَايَةُ الْعَدُوِّ؛ به پسران خویش تیراندازی بیاموزید تا مایه نابودی دشمن شوند» (پاینده، ۱۳۸۲، ص ۵۶۸).

این توصیه‌ها معمولاً با توجه به شرایط و نیازهای جامعه آن زمان و همچنین با توجه به نیاز جنگی و دفاعی اجتماعی ارائه شده‌اند. از آنجا که در جوامع قدیمی، جنگ و نبرد بر عهده مردان بود و دختران به‌طور عمومی در این زمینه فعالیت نمی‌کردند، یادگیری تیراندازی و مهارت‌های نظامی معمولاً به پسران توصیه شده است. این توصیه‌ها به هویت جنسی پسران مرتبط بوده و به منظور آمادگی آن‌ها برای مواجهه با مواقع خطرناک و دفاع از جامعه صادر شده است. پژوهش‌های امروزی نیز نشان می‌دهند پسران بیشتر به بازی‌ها و مهارت‌های مربوط به جنگ و نبرد علاقه دارند (هیوز، ۱۳۸۴، ص ۲۱۹). البته این موضوع باید با توجه به شرایط و ارزش‌های اجتماعی و فرهنگی بررسی شود و لازم است به نیازها و مسائل اخلاقی مرتبط با این نوع آموزش‌ها به‌دقت توجه شود.

از دیدگاه روان‌شناسی، بازی و شوخی تنها بر هویت جنسی کودک تأثیر نمی‌گذارد، بلکه به کودک کمک می‌کند از عواطف و افکار مزاحم و دردناک خود دور شود و از طریق این گونه فعالیت‌ها، ذهن خود را آزاد کرده، احساس آسایش و آرامش بیشتری پیدا کند. این گونه فعالیت‌ها به کودک کمک می‌کنند اعتماد به نفس خود را افزایش دهد و شخصیت خود را مستقل تر کرده و رشد کند (ر.ک: منطقی، ۱۳۷۲، ص ۵۸؛ هادیان فرد و نجاریان، ۱۳۷۹، ص ۵۵).

در روایات اسلامی نیز نقل شده است: «كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مِنْ أَفْكِهِ النَّاسِ مَعَ الصَّبِيِّ؛ پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ از شوخ‌ترین مردم با کودکان بود» (طبرانی، ۱۴۰۱، ج ۲:





ص ۳۹). این نکته نشان می‌دهد پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ ارزش بسیاری برای رفتار محترمانه با کودکان قائل بوده و این نوع ارتباط مثبت را ترویج می‌داده است. بنابراین، از دو منظر روان‌شناسی و اسلامی می‌توان نتیجه گرفت که بازی و شوخی نه تنها برای سرگرمی، بلکه برای افزایش اعتماد به نفس، خودیابی، مدیریت استرس و تقویت شخصیت کودکان نیز اهمیت دارد. با وجود امکان تحقق این فایده و کارکرد مطلوب، به باور منتقدان، آنچه در دنیای امروز رخ می‌دهد، غالباً چیزی خلاف آن است. گرایش به بازی‌های منفعلانه، تولید نیازهای دروغین به وسیله سرگرمی‌ها، فراموشی و نادیده گرفتن دیگر امور ضروری برای کودک (مانند یاددادن مسئولیت‌های دینی و خانوادگی)، به خاطر پرداختن بیش از اندازه به سرگرمی‌ها (ر.ک: معتمدنژاد، ۱۳۸۵، ص ۱۴۱-۱۴۳) از چالش‌های جدی در مسیر دستیابی به این کارکرد به صورت مطلوب هستند.

جانشین‌پذیری

کارکرد جانشین‌پذیری یکی از مفاهیم مهم در روان‌شناسی است و به این معناست که فعالیت‌ها یا رفتارهای مثبت و سالم می‌توانند جایگزین رفتارهای منفی و نامطلوب شوند. در آموزه‌های اسلامی بر واقعیت جانشین‌پذیری و انتخاب رفتارهای مثبت به جای رفتارهای منفی، به طور مستقیم تأکید شده است؛ برای مثال، در قرآن کریم آمده است: ﴿إِنَّ الْحَسَنَاتِ يُذْهِبْنَ السَّيِّئَاتِ﴾؛ «اعمال نیکو، اعمال بد را از بین می‌برند» (هود، ۱۱۴). بدیهی است سرگرمی اگر چنین تأثیری داشته باشد، از منظر اسلامی مطلوب است.

به باور محققان، کارکرد جانشین‌پذیری، به طور ویژه در مسئله خشونت کودکان مطرح است. خشونت در کودکان پسر بیشتر به شکل دعوا و انتقام و با استفاده از قدرت بدنی و در دختران بیشتر به صورت جدال لفظی ظاهر می‌شود (مهجور، ۱۳۹۲، ص ۱۸۵)؛ بنابراین، اگر فعالیت‌های سالم و مثبتی برای کودکان فراهم و جایگزین

خشونت‌های نامطلوب شود، به کاهش خشونت در آنان کمک می‌کند؛ به‌طور مثال، فعالیت‌های ورزشی چون فوتبال، بسکتبال یا دوچرخه‌سواری به پسران کمک می‌کند انرژی خود را صرف فعالیت بدنی کنند و از خشونت دوری کنند. همچنین، در دختران، بازی با عروسک، تک‌گویی و صحبت با آن، فرصتی برای بیان احساسات و تجربه روابط اجتماعی سالم فراهم می‌کند و از جدال‌های لفظی یا خشونت‌های دیگر جلوگیری می‌کند.

روان‌درمانی

بعضی از محققان معتقدند بیشتر فرهنگ‌های موجود در دنیای امروز، کودک را به شخصیتی وابسته و تحقیرشده تبدیل می‌کنند و معمولاً کودک مجبور است با نظارت بیش از اندازه والدین خود غذا بخورد، لباس بپوشد، بازی کند و بخوابد. افزون‌بر این، در خانواده‌هایی که دچار اختلال و نابسامانی هستند، نه تنها نیازهای عاطفی و اخلاقی کودک برآورده نمی‌شود، بلکه گاهی کودکان در درگیری‌های پرخاشگرانه و عاطفی خانواده، مورد تهاجم قرار می‌گیرند و از نظر روحی و اخلاقی متحمل آسیب بیشتری می‌شوند.

به‌خاطر اینکه بازی، یک راه طبیعی برای ابراز و تخلیه احساسات و عواطف کودکان است، برای درمان این کودکان، می‌توان از روش بازی‌درمانی استفاده کرد. این روش، این فرصت را به کودک می‌دهد تا در خلال بازی، احساسات و هیجانات سرکوب‌شده درونی خود را که از ناامنی، ترس‌ها، ناکامی‌ها، تنش‌ها، آشفتگی‌ها، پرخاشگری‌ها و سردرگمی‌های او ناشی شده است، برون‌ریزی کند و با ابراز این‌گونه هیجانات و احساس‌ها، ضمن رویاروی و مواجهه با عواطف خود و درک عمیق‌تر از خصوصیت‌های درونی خویش و ابعاد معضلی که با آن مواجه است، آن معضل را اصلاح یا کنترل کند و در نهایت، زمینه رشد اخلاقی بیشتر خود را فراهم سازد (منطقی، ۱۳۷۲، ص ۵۶-۵۷).



تحقق مطلوب این کارکرد نیز مانند دیگر کارکردهای سرگرمی در گرو رعایت ارزش‌های اخلاق اسلامی در استفاده از سرگرمی است. در غیر این صورت، نه تنها این کارکرد به صورت مطلوب محقق نمی‌شود، بلکه سرگرمی، مخصوصاً در نوع منفعلانه، می‌تواند بیماری‌هایی چون تمایل به بیهودگی و پوچی، بیش‌فعالی و گرایش به انزوا را موجب شود؛ بر همین اساس، لازم است به وضعیت نابسامان سرگرمی‌های مدرن و رایجی که در عصر حاضر برای کودکان تولید شده توجه شود. در این راستا، استفاده از دیدگاه‌های کارشناسان حوزه کودک ضرورت دارد.

روایت سابق درباره شوخ‌طبعی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله با کودکان نیز مؤید استفاده مطلوب از این کارکرد سرگرمی در دوره کودکی است؛ چراکه طبق نظر کارشناسان، شوخی خاصیت روان‌درمانی نیز دارد (هادیان‌فرد و نجاریان، ۱۳۷۹، ص ۶۲-۶۳)؛ افزون‌بر این، اگر چنین آثاری نامطلوب بودند، شارع باید از آنها نهی و منع می‌کرد؛ درحالی که به اصل پرداختن به سرگرمی سفارش نیز شده است؛ مانند این روایت: «الهُوَا وَ الْعَبْوَا فَإِنِّي أَكْرَهُ أَنْ يُرَى فِي دِينِكُمْ غِلْظَةٌ؛ به سرگرمی و بازی پردازید؛ زیرا دوست ندارم در دین شما سخت‌گیری باشد» (سیوطی، ۱۴۰۱ق، ج ۱: ص ۳۲۹؛ پاینده، ۱۳۸۲، ص ۲۵۹).

بنابراین در اسلام، تربیت کودکان به شکلی که دچار مشکلات روانی نشوند و احساس سخت‌گیری نکنند، بسیار مهم است. اسلام تأکید دارد کودکان باید از زمان کودکی به شادابی، بازی و سرگرمی مشغول شوند تا احساس خوشایندی و انس با دین و مذهب داشته باشند.

اجازه‌دادن به کودکان برای بازی و سرگرمی، به‌ویژه در محیط‌های مذهبی مانند حرم‌ها، باعث تقویت نگرش مثبت آن‌ها به دین می‌شود. این اقدامات باعث می‌شود کودکان به‌طور طبیعی و با شور و اشتیاق به انجام تکالیف دینی خود پردازند و از بدبینی به دین و ترس از آن دوری کنند.



تقویت روحیه مشارکت در کار گروهی و حس همکاری

تقویت روحیه مشارکت در کار گروهی و حس همکاری برای کودکان غالباً از طریق شکوفاکردن خلاقیت و تولید نشاط و شادابی به وسیله سرگرمی محقق می‌شود. براساس نظر برخی از روان‌شناسان، کودک در دوازده تا پانزده سالگی در خلال بازی‌ها به استقلال فکری می‌رسد و دیگر قوانین را مقدس و غیرقابل تغییر نمی‌داند و به همین دلیل، قبول می‌کند قانون بازی با توافق همه افراد تغییر کند؛ این روند به تعامل اجتماعی و همکاری با هم‌سالان در کودکان کمک می‌کند (پیاژه، ۱۳۷۹، ص ۶۲).

تحقیقات نشان می‌دهد کودکان از سه سالگی ترجیح می‌دهند با هم‌جنس خودشان بازی کنند. برخی معتقدند علت انتخاب جنس موافق برای تعامل و دوستی، تفاوت‌های جنسیتی در شیوه‌های بازی کردن است.

از آنجاکه سبک بازی پسران با دختران متفاوت است، کودکان دوست دارند کسانی را برای تعامل انتخاب کنند که شیوه‌های بازی کردن آن‌ها، شباهت بیشتری به بازی خودشان داشته باشد (سفیری و ایمانیان، ۱۳۸۸، ص ۹۷-۹۹)؛ به عبارت دیگر، بازی‌ها در تقویت حس همکاری و فعالیت گروهی پسران و دختران مؤثر هستند.

در روایات اسلامی نیز درباره کودکان چنین توصیه شده است: «دَعِ ابْنَكَ يَلْعَبُ سَبْعَ سِنِينَ؛ کودکان را تا هفت سال رها کن و آزاد بگذارید تا به بازی پردازند» (ابن بابویه، ۱۴۱۳ق، ج ۳، ص ۴۹۲). این نکته نشان می‌دهد بازی و سرگرمی برای کودکان مهم و حیاتی است و باید به آن‌ها اجازه داده شود به‌طور طبیعی و آزادانه با هم بازی کنند.

از این روایت می‌توان نتیجه گرفت که تمایل کودکان به بازی با هم‌جنسان خود مورد تأیید و قبول است و نباید آن‌ها را از این فعالیت‌ها منع کرد. اگر کودک به دلیل ویژگی‌های طبیعی خود به بازی‌های گروهی خاصی که مرتبط با جنسیتش



است علاقه دارد، بهتر است او را در انجام این فعالیت‌ها حمایت کرد تا بتواند به طور سالم و طبیعی با هم‌سالان خود بازی کند.

علاوه بر این روایت، در سیره معصومان نیز مواردی وجود دارد که ائمه، خود در سنین کودکی به صورت گروهی با کودکان هم‌جنس خود بازی می‌کردند؛ برای نمونه، نقل شده است: «أَنَّهُ خَرَجَ مِنْ عِنْدِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ إِلَى طَعَامٍ دُعِيَ إِلَيْهِ فَإِذَا هُوَ بِحُسَيْنٍ يَلْعَبُ مَعَ الصَّبِيَّانِ فَاسْتَقْبَلَ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ أَمَامَ الْقَوْمِ ثُمَّ بَسَطَ يَدَيْهِ فَطَفَرَ الصَّبِيَّانِ هَاهُنَا مَرَّةً وَ هَاهُنَا مَرَّةً وَ جَعَلَ رَسُولُ اللَّهِ يَضْحَكُهُ؛ پیغمبر اسلام صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ امام حسین را دید که در کوچه با گروهی از کودکان (پسران) بازی می‌کند. پیامبر اکرم صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ رفت و یکی از دست‌های خود را گشود که امام حسین را بگیرد، ولی امام حسین از این طرف به آن طرف فرار می‌کرد، رسول خدا با امام حسین می‌خندید...» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۴۳: ص ۲۷۳). نقل‌کننده این سیره (یعنی عامری) برای هم‌بازی‌های امام حسین، از واژه «الصَّبِيَّانِ» (جمع الصَّبِي) به معنای پسران (صاحب بن عباد، ۱۴۱۴ق، ج ۸: ص ۲۰۳) استفاده کرده است؛ بنابراین، طبق ظاهر کلام، امام حسین با کودکان هم‌جنس خود بازی می‌کرده و پیامبر اکرم صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ نیز این کار را تأیید کرده‌اند.

علاوه بر این، در روایات متعددی گفته شده که افراد بزرگ‌سال باید با کودکان به شیوه و روش آن‌ها بازی کنند؛ حضرت علی عیسی را می‌فرماید: «مَنْ كَانَ لَهُ وَلَدٌ صَبًا؛ هر کس که کودک دارد، برای او کودک شود» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۶: ص ۵۰) و پیامبر اکرم صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ می‌فرماید: «مَنْ كَانَ عِنْدَهُ صَبِيٌّ فَلْيَتَصَابَ لَهُ؛ هر کس کودکی نزد اوست، با او مانند کودک بازی کند» (ابن بابویه، ۱۴۱۳ق، ج ۳: ص ۴۸۳-۴۸۴). این روایات نشان می‌دهند احترام به حقوق و تمایلات کودکان در بازی کردن و انتخاب هم‌بازی، بسیار مهم است. با این حال، این روایات، به طور مستقیم، به حق بازی کودکان با هم‌جنسان خود اشاره نمی‌کنند؛ اما به حق کودکان برای انتخاب هم‌بازی‌هایی که به شیوه و سلیقه آن‌ها نزدیک هستند، اشاره دارند. پس،





بزرگسالان باید به نیازها و تمایلات کودکان احترام بگذارند و آن‌ها را در بازی کردن و انتخاب هم‌بازی‌ها حمایت کنند.

علاوه بر تأثیر مستقیم سرگرمی و بازی بر تقویت حس همکاری در هریک از دو گروه پسران و دختران، این تأثیر ممکن است به صورت غیرمستقیم نیز با شکوفا کردن استعدادهای روانی و شخصیتی کودک و افزایش توانایی تعامل او با دیگران نیز رخ دهد. با توجه به مطالب پیش گفته روشن است این تأثیر در پسران و دختران متفاوت است؛ مثلاً این تأثیر در دختران با شکوفایی استعداد ارتباطات کلامی رخ می‌دهد و موجب می‌شود دختران بهتر بتوانند با هم‌جنسان خودشان ارتباط کلامی برقرار کنند و در فعالیت‌های گروهی با آنان شرکت کنند.

البته تقویت حس همکاری به وسیله سرگرمی در مواردی ممکن است نکوهیده و ناپسند باشد؛ برای نمونه، در بازی‌های رایانه‌ای، کودکان ممکن است با شخصیت‌های بازی احساس همزادپنداری کنند که این احساس می‌تواند حس همکاری آنان را با این شخصیت‌ها تقویت کند؛ اما این بازی‌ها اغلب به منظور سودآوری تولید می‌شوند و ممکن است دارای محتوای ضداسلامی یا غیراخلاقی باشند.

بهتر است برای تقویت حس همکاری در کودکان از بازی‌های گروهی، بازی‌های فعال که مولد فکر و خلاقیت هستند و بازی‌هایی که به واقعیات زندگی و مسئولیت‌های آنان می‌پردازند، استفاده شود. این نوع بازی‌ها مهارت‌های اجتماعی و همکاری کودکان را به صورت مطلوب تقویت و از آسیب‌های ناشی از سرگرمی‌های منفرد و تخیلی جلوگیری می‌کنند.

در منابع اسلامی به تقویت حس همکاری در امور مطلوب سفارش شده است. در این باره در قرآن کریم آمده است: ﴿وَتَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَالتَّقْوَىٰ وَلَا تَعَاوَنُوا عَلَى الْإِثْمِ وَ الْعُدْوَانِ﴾؛ و در نیکی کردن و پرهیزگاری بودن همکاری کنید و در گناه کردن و ستمکاری همکار نشوید» (مائده، ۲).

هرچند این بیان مخصوص دوره کودکی نیست و به نقش سرگرمی در این خصوص اشاره ندارد؛ اما چون انسان در بزرگسالی به تعاون در خوبی مکلف است، یادگیری این امر در کودکی به وسیله بازیهای جمعی می تواند از ارزش زیادی برخوردار باشد و به تربیت افرادی با اخلاق نیک و ارزشمند کمک کند.

انتقال ارزش‌ها

یکی دیگر از کارکردهای سرگرمی در دوره کودکی، انتقال ارزش‌هاست. به دلیل تمایل طبیعی کودکان به سرگرمی و بازی، در خلال این مشغولیت، ارزش‌هایی به کودکان انتقال می‌یابد.

در آموزه‌های اسلامی به انتقال ارزش‌های اسلامی به اعضای خانواده از جمله کودکان سفارش شده است؛ مانند این آیه: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا قُوا أَنفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَارًا وَقُودُهَا النَّاسُ وَالْجِبَارَةُ عَلَيْهَا مَلَائِكَةٌ غِلَاظٌ شِدَادٌ لَا يَتَّصُونَ اللَّهَ مَا أَمَرَهُمْ وَيَفْعَلُونَ مَا يُؤْمَرُونَ﴾؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید، خود و خانواده خویش را از آتشی که هیزم آن انسان‌ها و سنگ‌هاست، نگه دارید؛ آتشی که فرشتگانی بر آن گمارده شده که خشن و سخت‌گیرند و هرگز فرمان خدا را مخالفت نمی‌کنند و آنچه را فرمان داده شده‌اند [به‌طور کامل] اجرا می‌کنند» (تحریم، ۶).

این آیه نشان می‌دهد انتقال ارزش‌ها و اصول اسلامی به کودکان از جمله وظایف و مسئولیت‌های اعضای جامعه اسلامی است و باید به آن توجه شود؛ از این رو، سرگرمی و بازی می‌تواند به‌عنوان یک وسیله مؤثر برای انتقال این ارزش‌ها و تهذیب نفس در کودکان تلقی شود؛ برای مثال، می‌توان یک بازی آموزشی برای کودکان طراحی کرد که به آن‌ها اصول اخلاق اسلامی مانند مهربانی، صداقت، بخشش و احترام به والدین را آموزش دهد. این بازی ممکن است شامل شخصیت‌های کارتونی و موقعیت‌های مختلفی باشد که کودکان باید تصمیم‌های صحیح بگیرند و ارزش‌های اسلامی را اعمال کنند.



نتیجه گیری

در این تحقیق، نتایج زیر حاصل شد:

-از کاربرست آموزه‌های اخلاق اسلامی در سرگرمی‌های کودکان، مشخص شد در این سرگرمی‌ها نباید سودگرایی، لذت‌گرایی و مصرف‌گرایی به کودک آموزش داده شود. همچنین پرداختن به بازی‌های منفعلانه، غیرمولد، تخیلی و انفرادی، ترویج نیاز کاذب به سرگرمی یا آرمان‌های دروغین توسط تولیدکنندگان سرگرمی‌ها امری نکوهیده و مذموم است که کودک را دچار مشکلات اخلاقی می‌کند. افزون‌بر این موارد، سرگرمی در دوره کودکی نباید به اموری مانند انزوا، پوچی، بیش‌فعالی، خودفریبی، فراموشی و نادیده گرفتن سایر امور ضروری برای کودک منجر شود؛

-برخی از روان‌شناسان با ترسیم مراحل رشد در سنین مختلف کودک معتقدند کودک مفهوم رقابت و قوانین اخلاقی را در بازی می‌فهمد و از طریق بازی به استقلال فکری و شخصیتی می‌رسد و با هم‌سالان خود تعامل می‌کند. برخی دیگر نیز معتقدند سرگرمی موجب می‌شود کودک ذهنش را از افکار مزاحم خالی کند و با درک خود، کنترل بیشتری بر خود داشته باشد و اعتمادبه‌نفسش را افزایش دهد. همچنین به باور روان‌شناسان، سرگرمی به بهبود بیماری‌های روانی و رشد شخصیتی و اخلاقی کودکان کمک می‌کند؛

-سرگرمی با ایجاد نشاط و لذت، کودکان را به انجام فعالیت‌های هدفمند ترغیب می‌کند و آن‌ها را به یادگیری این فعالیت‌ها تشویق می‌کند. از دیدگاه اخلاق کاربردی اسلامی، آموزش و تربیت کودکان از طریق بازی و سرگرمی مطلوب، بسیار مؤثر است و این امر برای کودکان زیر هفت سال اهمیت بیشتری دارد. تناسب محتوای سرگرمی با جنسیت کودکان نیز مهم است؛ برای مثال، آموزش وظایف مادری و حفظ حجاب به دختران و آموزش وظایف اقتصادی و دفاع از ناموس به پسران مناسب است؛

-بازی و سرگرمی، کودکان را به ابداع قوانین و تعلق به آن‌ها تشویق می‌کند و





این امر باعث ایجاد خلاقیت و شکوفایی در آن‌ها می‌شود. از دیدگاه اخلاق کاربردی اسلامی، بازی و سرگرمی منشأ پرورش استعدادهایی مانند رشد عقلی و ایجاد صفات اخلاقی در کودکان است. تناسب اسباب‌بازی‌ها با جنسیت کودکان نیز از اهمیت زیادی برخوردار است؛ برای مثال، باید به پسران اسباب‌بازی‌هایی داده شود که مهارت‌های فضایی را تقویت کند و به دختران اسباب‌بازی‌هایی داده شود که مهارت‌های کلامی را تقویت کند. این موضوع در خودیابی کودکان به‌عنوان پسر یا دختر نیز تأثیرگذار است؛

-از منظر اخلاق کاربردی اسلامی، شوخی کردن با کودکان که خود نوعی بازی و سرگرمی برای کودکان محسوب می‌شود، مطلوب است. با توجه به تأثیر شوخی بر تخلیه هیجانات کودک و آرامش‌دهی به او و به تبع، کمک به خودیابی او، می‌توان دریافت که در اسلام، استفاده از کارکرد خودیابی سرگرمی در دوره کودکی تأیید شده است؛

-بروز خشونت در کودکان با توجه به جنسیت آن‌ها متفاوت است؛ در پسران، سرگرمی‌هایی با فعالیت بدنی زیاد و در دختران، بازی با عروسک و صحبت با آن، می‌تواند جایگزین خشونت‌های نامطلوب باشد؛

-به‌خاطر اینکه سرگرمی یک راه طبیعی برای ابراز و تخلیه احساسات و عواطف فروخورده کودکان است، می‌تواند اثر روان‌درمانی داشته باشد. در آموزه‌های اخلاق کاربردی اسلامی نیز شوخی کردن با کودکان توصیه شده است؛

-از دیدگاه اخلاق کاربردی اسلامی، انسان در بزرگسالی مکلف به تعاون در خوبی است؛ از این رو، در کودکی یادگیری این امر از طریق سرگرمی‌هایی که موجب تقویت کار گروهی می‌شوند، از ارزش زیادی برخوردار است و به تربیت افرادی با اخلاق نیک و ارزشمند کمک می‌کند. یکی از مصادیق تقویت کار گروهی به‌وسیله سرگرمی، تمایل کودکان به بازی با هم‌جنسان است. از منظر اخلاق کاربردی اسلامی، این امر مطلوب است و کودک حق دارد با کسانی بازی کند که



شیوه‌های بازی کردن آنان، شباهت بیشتری به شیوه بازی خودش دارد؛
 -در برخی از سرگرمی‌های مدرن مانند بازی‌های رایانه‌ای، کودک با
 شخصیت‌های بازی، احساس همزادپنداری می‌کند. در صورتی که محتوای این
 سرگرمی‌ها ضداسلامی باشد، موجب ایجاد حس همکاری در امور ناپسند و
 نکوهیده در کودکان می‌شود؛

-از دیدگاه اخلاق کاربردی اسلامی، تعاون در خوبی در بزرگ‌سالی بسیار
 ارزشمند است و یادگیری این اصل از طریق سرگرمی‌هایی که تقویت کار گروهی
 را ترویج می‌کنند، به تربیت افرادی با اخلاق نیک و ارزشمند کمک می‌کند. تمایل
 کودکان به بازی با هم‌جنسان، یکی از مصادیق تقویت کار گروهی است و از
 منظر اخلاق کاربردی اسلامی، این امر مطلوب است؛ زیرا کودکان حق دارند با
 کسانی بازی کنند که شیوه‌های بازی کردنشان شباهت بیشتری به شیوه بازی
 خودشان دارد؛

-یکی از کارکردهای سرگرمی در دوره کودکی، انتقال ارزش‌هاست؛ این تأثیر
 ناشی از میل طبیعی کودکان به سرگرمی و بازی است و در آموزه‌های اخلاق
 کاربردی اسلامی بر استفاده صحیح از این کارکرد به منظور تربیت کودک تأکید
 شده است.



کتاب‌نامه

۱. قرآن کریم.
۲. ابن بابویه، محمد بن علی (۱۴۱۳ق)، *من لا یحضره الفقیه*، قم: جامعه مدرسین حوزه علمیة قم.
۳. اسلامی، محمد تقی، احمد دبیری و مهدی علیزاده (۱۳۸۸)، *اخلاق کاربردی*، چالش‌ها و کاوش‌های نوین در اخلاق عملی، قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
۴. اکبرزاده، نسرین (۱۳۷۶)، *گذر از نوجوانی به پیری*، تهران: مؤلف.
۵. بروجردی، سیدحسین (۱۳۷۳)، *جامع احادیث الشیعة*، تحقیق اسماعیل معزی ملایری، قم: المطبعة العلمية.
۶. پارسا، محمد (۱۳۷۳)، *روانشناسی رشد کودک و نوجوان*، چ ۷، تهران: مؤسسه انتشارات بعثت.
۷. پاینده، ابوالقاسم (۱۳۸۲)، *نهج الفصاحة*، تهران: دنیای دانش.
۸. پستمن، نیل (۱۳۸۸)، *نقش رسانه‌های تصویری در زوال دوران کودکی*، ترجمه صادق طباطبایی، چ ۳، تهران: اطلاعات.
۹. پیاز، ژان (۱۳۷۹)، *فضاوت‌های اخلاقی کودکان*، ترجمه محمدعلی امیری، تهران: نشر نی.
۱۰. توسلی، غلام‌عباس (۱۳۷۶)، *نظریه‌های جامعه‌شناسی*، چ ۶، تهران: سمت.
۱۱. خباز، یوسف (۱۳۸۳)، «مسلمانان و معضل تفریحات مدرن»، *سیاحت غرب*، ش ۱۳، ص ۷-۱۵.
۱۲. خزاعی، زهرا (۱۳۸۶)، «اخلاق کاربردی: ماهیت، روش و چالش‌ها»، *پژوهش‌های فلسفی کلامی*، ش ۳۳، ص ۱۷۵-۲۰۶.
۱۳. رایکمن، ریچارد ام، (۱۳۸۷)، *نظریه‌های شخصیت*، ترجمه مهرداد فیروزبخت، تهران: ارسباران.



۱۴. ساروخانی، باقر (۱۳۷۰)، *دایرةالمعارف علوم اجتماعى*، تهران: مؤسسه کیهان.
۱۵. سفیری، خدیجه و سارا ایمانیان (۱۳۸۸)، *جامعه‌شناسی جنسیت*، تهران: جامعه‌شناسان.
۱۶. سیوطی، جلال‌الدین عبدالرحمن (۱۴۰۱ق)، *الجامع الصغیر فی احادیث البشیر النذیر*، بیروت: دار الفکر.
۱۷. شرف‌الدین، حسین (۱۳۹۴)، *سرگرمی رسانه‌ای، رویکردی اسلامی ارتباطی به سرگرمی در سیمای ملی*، قم: مؤسسه امام خمینی علیه السلام.
۱۸. شریفی، احمدحسین (۱۳۹۰)، «چستی اخلاق کاربردی»، *معرفت اخلاقی*، ش ۷، ص ۸۳-۹۶.
۱۹. شولتز، دوان و سیدنی آلن شولتز (۱۳۸۵)، *نظریه‌های شخصیت*، ترجمه یحیی سیدمحمدی، چ ۹، تهران: مؤسسه نشر ویرایش.
۲۰. شهیدی، هاشم (۱۳۸۷)، «بررسی تأثیر ویژگی‌های خانوادگی بر چگونگی گذران اوقات فراغت فرزندان در کوی‌های سازمانی»، *مدیریت نظامی*، ش ۳۰، ص ۳۵-۱۰۲.
۲۱. صاحب‌بن‌عباد (۱۴۱۴ق)، *المحیط فی اللغة*، تصحیح محمدحسن آل‌یاسین، بیروت: عالم‌الکتاب.
۲۲. طبرانی، سلیمان بن احمد (۱۴۰۱ق)، *المعجم الصغیر*، تحقیق محمد عثمان، چ ۲، بیروت: دار الفکر.
۲۳. طوسی، محمدبن حسن (۱۴۱۱ق)، *مصباح‌المتنجد و سلاح‌المتعبد*، بیروت: مؤسسه فقه‌الشیعه.
۲۴. قاضی‌مرادی، حسن (۱۳۸۷)، *کار و فراغت ایرانیان*، چ ۲، تهران: اختران.
۲۵. کلینی، محمدبن یعقوب (۱۴۰۷ق)، *الکافی*، تهران: دار‌الکتب‌الاسلامیه.
۲۶. گرت، استفانی (۱۳۷۹)، *جامعه‌شناسی جنسیت*، ترجمه کتابیون بقایی، تهران: دیگر.

۲۷. مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۳ق)، بحار الانوار، بیروت: دار إحياء التراث العربی.
۲۸. محمدی سیف، معصومه و محمد عارف (۱۳۹۷)، «لزوم تربیت دینی کودک و ارائه راهکارهای عملی برای خانواده»، قرآن و عترت، ش ۱، ص ۶۷-۱۰۲.
۲۹. مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۹۱)، اخلاق در قرآن، تحقیق و نگارش محمدحسین اسکندری، قم: انتشارات مؤسسه امام خمینی رحمته الله علیه.
۳۰. معتمدنژاد، کاظم (۱۳۸۵)، «اندیشه‌های انتقادی در زمینه ارتباطات جمعی و فرهنگ توده»، رسانه، ش ۶۷، ص ۱۲۹-۱۵۴.
۳۱. منطقی، مرتضی (۱۳۷۲)، «بازی‌درمانی»، تربیت، ش ۸۰، ص ۵۵-۵۹.
۳۲. مهجور، سیامک‌رضا (۱۳۹۲)، روان‌شناسی بازی، تهران: ویرایش.
۳۳. میرخندان، سید عبدالله و حسن خیری (۱۴۰۱)، «واکاوی مفهومی فراغت و سرگرمی از دیدگاه اسلامی»، مطالعات فرهنگی اجتماعی حوزه، دوره ۶، ش ۱۲، ص ۴۷-۶۸.
۳۴. نجفی، محمدحسن (۱۴۰۴ق)، جواهر الکلام فی شرح شرائع الإسلام، چ ۷، بیروت: دار إحياء التراث العربی.
۳۵. هادیان‌فرد، حبیب و بهمن نجاریان (۱۳۷۹)، «شوخی و طنز در روان‌درمانی»، تازه‌های روان‌درمانی، ش ۱۷-۱۸، ص ۵۱-۶۵.
۳۶. هیوز، فرگاس پیتر (۱۳۸۴)، روان‌شناسی بازی «کودکان، بازی و رشد»، ترجمه کامران گنجی، تهران: رشد.



References

۱. *The Holy Quran*.
۲. Akbarzadeh, Nasreen (۱۹۹۷). *transition from adolescence to old age*. Tehran: author.
۳. Boroujerdi, Seyed Hossein (۱۹۹۴). *Jame Ahadith al-Shi'a*. Research by Ismail Moezi Malairi. Qom: al-Matbaat al-Elmiyah.
۴. Eslami, Mohammad Taqi, Ahmad Dabeiri and Mehdi Alizadeh (۲۰۰۹). *Applied Ethics, New Challenges and Explorations in Practical Ethics*. Qom: Research Institute of Islamic Sciences and Culture.
۵. Garrett, Stephanie (۲۰۰۰). *Sociology of Gender*. Translated by Ketayoun Baqaei. Tehran: Other.
۶. Ghazi Moradi, Hassan (۲۰۰۸). *Work and leisure of Iranians*. second edition. Tehran: Akhtaran.
۷. Hadian Fard, Habib and Bahman Najarian (۲۰۰۰). "Jokes and Humor in Psychotherapy". *Psychotherapy Updates*, No. ۱۷-۱۸, p. ۵۱-۶۵.
۸. Hughes, Fergus Peter (۲۰۰۵). *Psychology of play "Children, play and growth"*. translated by Kamran Ganji. Tehran: Roshd.
۹. Ibn Babouyeh, Muhammad bin Ali (۱۹۹۳). *Man La Yahzarah al-Faqih*. Qom: Qom Seminary Association.
۱۰. Khabbaz, Yusuf (۲۰۰۴). "Muslims and the Problem of Modern Entertainment". *Western Tourism*. No. ۱۳, p. ۷-۱۵.
۱۱. Khazaei, Zahra (۲۰۰۷). "Applied Ethics: Nature, Method and Challenges". *Theological Philosophical Research*, No. ۳۳, p. ۱۷۵-۲۰۶.
۱۲. Koleini, Muhammad bin Yaqub (۱۹۸۷). *al-Kafi*. Tehran: Dar al-Kotob al-Islamiya.
۱۳. Mahjoor, Siamak Reza (۲۰۱۳). *Game Psychology*. Tehran: edit.
۱۴. Majlesi, Mohammad Baqer (۱۹۸۳). *Bihar al-Anwar*. Beirut: Dar Ihya al-Torath al-Arabi.
۱۵. Manteqi, Morteza (۱۹۹۳). "Play Therapy". *Tarbiat*, No. ۸۰, p. ۵۵-۵۹.
۱۶. Mirkhandan, Seyyed Abdullah and Hassan Khairi (۲۰۲۲). "Conceptual study of leisure and entertainment from an Islamic perspective". *Social Cultural Studies of the field*, Vo. ۶, No. ۱۲, p. ۴۷-۶۸.
۱۷. Misbah Yazdi, Mohammad Taqi (۲۰۱۲). *Ethics in the Qur'an*. research and writing Mohammad Hossein Eskandari. Qom: Imam Khomeini Institute Publications.
۱۸. Mohammadi Seif, Masoumeh and Mohammad Aref (۲۰۱۸). "The necessity of religious education of children and providing practical solutions for the family". *Qur'an and Etrat*, No. ۱, p. ۱۰۲-۶۷.
۱۹. Motamednejad, Kazem (۲۰۰۶). "Critical Thoughts in the Field of Mass Communication and Tudeh Culture". *Media*, No. ۶۷, p. ۱۲۹-۱۵۴.
۲۰. Najafi, Mohammad Hassan (۱۹۸۴). *Jawaher al-Kalam fi Sharh Sharae al-Islam*. ۷th edition. Beirut: Dar Ihya al-Torath al-Arabi.
۲۱. Parsa, Mohammad (۱۹۹۴). *Psychology of Child and Adolescent Development*. ۷th Edition. Tehran: Be'that Publications Institute.
۲۲. Payandeh, Abolqasem (۲۰۰۳). *Nahj al-Fasaha*. Tehran: Donya Danesh.
۲۳. Piaget, Jean, (۲۰۰۰). *Moral judgments of children*. translated by Mohammad Ali Amiri. Tehran: Ney.
۲۴. Postman, Neil (۲۰۰۹). *The role of visual media in the deterioration of childhood*. translated by Sadegh Tabatabai. Third Edition. Tehran: Information Publications.
۲۵. Raikman, Richard M. (۲۰۰۸). *Theories of Personality*. Translated by Mehrdad Firouzbakht. Tehran: Arasbaran.
۲۶. Safiri, Khadija and Sara Imanian (۲۰۰۹). *Sociology of Gender*. Tehran: Sociologists.
۲۷. Sahib bin Abad (۱۹۹۴). *al-Muhit fi al-Loghah*. edited by Muhammad Hasan alyasin. Beirut: Alam al-Kitab.
۲۸. Sarukhani, Baqer (۱۹۹۱). *Encyclopedia of Social Sciences*. Tehran: Keihan Institute.
۲۹. Shahidi, Hashem (۲۰۰۸). "Investigating the effect of family characteristics on how children spend their free time in organizational units". *Military Management*, No. ۲۰, p. ۲۵-۱۰۲.
۳۰. Sharafuddin, Hossein (۲۰۱۵). *Media entertainment, an Islamic-communicative approach to entertainment in the national image*. Qom: Imam Khomeini Institute.
۳۱. Sharifi, Ahmad Hossein (۲۰۱۱). "What is Applied Ethics". *Moral Knowledge*, No. ۷, p. ۸۳-۹۶.
۳۲. Shultz, Duan and Sidney Allen Shultz (۲۰۰۶). *Theories of Personality*. translated by Yahya Seyed Mohammadi. ۹th edition. Tehran: Edit Publishing House.
۳۳. Siyuti, Jalal al-Din Abdurrahman (۱۹۸۱). *al-Jamae al-Saghir fi Hadith al-Bashir al-Nazir*. Beirut: Dar al-Fikr.
۳۴. Tabarani, Suleiman bin Ahmad (۱۹۸۱). *al-Mul'jam al-Saghir*. Research on Muhammad Uthman. second edition. Beirut: Dar al-Fikr.
۳۵. Tawassoli, Gholam Abbas (۱۹۹۷). *Sociological Theories*. ۶th edition. Tehran: Samt.

٣٦. Tousi, Muhammad bin Hassan (١٩٩١). *Misbah al-Mutahajjed va Selah al-Mutabbed*, Beirut: Institute of Fiqh al-Shia.